



سید محمود رستگار

دبیر دبیرستانهای یزد

سید مهدی چیتی نقاش و مجسمه ساز معاصر یزد

پروژه‌های علمی و فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چیتی در سال ۱۲۷۸ هجری خورشیدی مطابق با ۲۴۵۸ شاهنشاهی در یزد ولادت یافت و چنانچه شیوه مرسوم زمان بود تحصیلات مقدماتی را در مولد خویش نزد معلمان مکتبی به پایان رسانید ، وی در عنفوان جوانی ذوقی و شوقی وافر و عشقی آتشین به هنر نقاشی بویژه تراشیدن تندیس داشت بدین مناسبت از ادامه تحصیل دست کشید و بی‌مدد استاد راهنما شب و روز به کار نقاشی و ایجاد مناظر طبیعی و ساختن مجسمه همت گماشت

و در فن موردعلاقه خودمهارتی بسزا حاصل کرد و سپس برای تکمیل مهارت در کار هنری عازم تهران شد و بنابر اشارات یکی از آشنایان به مغازه تابلوسازی آقای امجد تابلوساز واقع در سبزه میدان مراجعه کرد و چندماه نزد آقای امجد به تلمذ گذراند ، در آن هنگام مرحوم محمدحسین نواب (۱) نماینده مردم یزد در مجلس شورای ملی چیتی را به مدرسه کمال الملک که در آن اوقات درخیابان صفی‌علیشاه واقع بود معرفی کرد تا در آن آموزشگاه به تعلم هنربرپردازد اما رئیس مدرسه بسبب زیادی سن از ثبت نام و پذیرفتن او امتناع نمود ولی چیتی که همواره در پی هر فرصت مناسب بود با ارشاد آقای مشکین قلم به خدمت هنرمند بزرگ معاصر استاد حسین بهزاد رفت . بهزاد با آغوش باز از او استقبال کرد و مدت سه ماه در منزل خویش چیتی را تحت تعلیم و راهنمایی قرار داد اما در خلال این مدت بوضوح احساس کرد که طبع جادونگار هنرمند یزدی به طبیعت و مناظر واقعی آن بیشتر گرایش دارد از این رو توصیه کرد که براهنمایی آقای مشکین قلم به خدمت استاد صنعتی زاده کرمانی که یکی از صاحب هنران نام آور زمان بود راه یابد ، این آرزوی دیرین برآورده شد و چیتی با راهنمایی و پامردی آقای مشکین قلم و آقای مصطفی نجمی به حلقه تعلیم صنعتی زاده پیوست اما این صنعتی زاده چندی بعد راهی کرمان شد و هنرمند چیره دست یزدی از فیض حضورش محروم ماند و پس از اقامت دوساله در تهران و آشنایی با بزرگان هنر و حصول مهارت و تخصص در انواع نگارگری در اواسط سال ۱۳۱۹ هجری خورشیدی به ولادتگاه خود یزد بازگشت و اوقات خود را به خلق آثار هنری و تمرین و ممارست مصروف داشت . ولی چندی نپایید که با وقوع واقعه شوم سوم شهریور ، مسیر زندگی هنری چیتی تغییر کرد زیرا در آن زمان یزد هم مانند سایر شهرهای ایران ناگهان دستخوش ناامنی‌ها و تیرمروزی‌ها گشت و چیتی که علاوه بر اشتهار در هنر نقاشی و تندیس تراشی به ورزشکاری و نیرومندی و شجاعت و جوانمردی متصف بود از روی طبع به حلقه میهن پرستان مجاهد و مبارزان راه آزادی کشانده شد ، خود در این باره چنین میگوید : (بعد از واقعه شوم سوم شهریور دکتربزدی قدرت سیاسی و نفوذ بسیار حاصل کرد و بسبب آن گروه گروه افراد ساده دل و فریب خورده تودم‌های هر روز در هر گوشه غوغایی براه می‌انداختند .

اکثر اوقات مشاهده می‌کردم اشخاصی که به پیشموران و کارگران وابسته بودند اجتماعاتی ترتیب می‌دادند و با سخنرانیها و تبلیغات وسیع وعده‌ها میدادند که اموال ثروتمندان را به غنیمت خواهند گرفت و به تساوی میان خویش تقسیم خواهند کرد !! هر روز در گوشه‌های

(۱) زندگی نامه و خاطرات مرحوم محمدحسین نواب نماینده ادوار سابق مجلس شورای ملی پیش از این بوسیله نگارنده در هشت قسمت تنظیم شد و در وحید به تناوب چاپ گردید .

از شهریزد محفل توده‌ای‌ها تشکیل میشد و افراد مختلف بانصب شعارهای توده‌ای بر بازوی خود مردم عامی را به برپا کردن اجتماعات و تظاهرات تشویق می نمودند و گاهی نیز از این طریق خسارت‌های مالی هم بیارمی‌آوردند ، از آن حمله روزی به منزل مرحوم حاج‌علی اکبر ریسمانی که یکی از نیکوکاران و بازرگانان خوشنام و موجه یزد بود هجوم بردند و اموال او را غارت کردند و بظاهر غنایم بدست آورده را میان خود تقسیم نمودند ، واضح است که فعالیت‌های تخریبی فریب خوردگان توده‌ای و تظاهرات و اجتماعات گوناگون آن‌سان خانواده‌های یزدی را سخت بوحشت انداخته بود ، بویژه اولیا بیش از اندازه نگران آینده فرزندان جوان خود بودند ، شدت نفوذ و توسعه فعالیت توده‌ای‌ها عاقبت سبب شد تا میهن پرستان یزدی به میدان پیکار وارد شوند ، از جمله چندتن از دوستان بسیار بزرگوار و محترم من مانند مرحوم حسین کراوغلی ، مرحوم امیرکراوغلی ، مرحوم غلامحسین عسگری کامران و مرحوم گلشن با درایت و فداکاری به مبارزهای بی‌امان بر ضد دسته‌های توده‌ای دست زدند و برای حصول این مقصود مقدس و ایفای این وظیفه ملی مرا نیز بهمکاری دعوت کردند ، من نیز که پیوسته شور میهن پرستی در سر داشتم ، دست از جان شسته و دل از خانمان کنده به گروه مجاهدان و مبارزان راه استقلال و آزادی پیوستم نکته گفتنی و مهم آن بود که بعضی از افراد توده‌ای با حمل سلاح کمرب و نصب شعار بر بازوی خود بعنوان مأموران نظامات سعی داشتند بیشتر در مراکز کارگری نفوذ کنند ، بدین مناسبت من مأموریت یافتم که با استقرار در کارخانه اقبال یزد که یکی از قدیمترین کارخانه‌های ریسندگی ایران است از وقوع هرگونه حادثه و ویرانی و آتش سوزی و تحریکات ضد ملی ممانعت کنم ، خوب بخاطر دارم که در مراحل نخستین مبارزات آزادی خواهان یزدی چهل شبانه روز بطور مداوم در کارخانه مذکور اقامت داشتم و با همکاری و معاضدت دوستان وفادار و مؤمن و وطن پرست خود هر بام تا شام و هر شام تا صبح بهاسداری از این مرکز مهم کارگری و اقتصادی اهتمام کردم البته طی مدتی که توده‌ای‌ها فعالیت شدید داشتند برخوردهای سخت و مشاجرات و مضارباتی هم گاهی روی میداد که بهزیمت دسته‌های مخرب منتهی میشد ، شرح این ماجراهای غم‌انگیز و هولناک مفصل است و بیش از این پرداختن به آن ضرورت ندارد ، یزدی‌های میهن پرست خدای را شکر می‌گزارند که در سایه عنایت شاهانه شعاع امنیت بر فضای یزد تابیدن گرفت و به میمنت آن دست عوامل بیگانه از محیط زندگی ساکنان این سامان کوتاه گشت و جن و مال و ناموس و شرف و آسایش اهل یزد از تعدی و تجاوز مثنی اوباش و بی‌سرد که بلباس توده‌ای ملبس بودند مصون ماند ()

چیتی در سال ۲۵۰۶ شاهنشاهی پس از هفت سال شرکت در امور سیاسی و همکاری

با آزادی خواهان عازم کرمان شد و بخدمت استاد صنعتی زاده کرمانی پیوست و نزدیک به یکسال از محضر استادی که از دل و جان او را دوست میداشت بهره‌ها برد ولی ضروریات خانوادگی از روی اضطرار او را ملزم ساخت تا محضر ولی نعمت خود را ترک کند و به یزد باز گردد ، در همین هنگام چیتی ازدواج کرد و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش ، "وزارت فرهنگ سابق" درآمد و در دبیرستان موجود یزد یعنی دبیرستان دولتی ایرانشهر و دبیرستان ملی کیخسروی بعنوان دبیر به تعلیم هنر مشغول گشت .

استاد سید مهدی چیتی در اثنای خدمت در فرهنگ از قضا با آقای نورمحمد میرعمادی رئیس اداره اقتصاد ملی یزد آشنا شد ، وی از جمله شاگردان میرزا کمال الملک بود و در تراشیدن تندیس و بویژه هنرنقاشی مهارتی فراوان داشت ، حاصل این آشنایی و مجالست که نزدیک به ده سال دوام یافت تکمیل هنرنقاشی و مجسمه سازی و آگاهی بیشتر به ظرافت و دقایق کار بود ، میرعمادی از روی اثر مشهور کمال الملک بنام فالگیر بغدادی تابلوی



فالگیر بغدادی - اثر تقلیدی از کمال الملک

زیبایی تهیه کرده بود و چیتی از روی مآخذ مذکور اثری نو ، بوجود آورد که چهار برابر بزرگتر است و اکنون در شمار بدایع آثار موجود میباشد .

استاد گرانقدر که در حال حاضر دوران بازنشستگی را میگذراند با وجود خستگی و کبر سن از هنردست نکشیده است و در کارگاه اختصاصی خود به تراشیدن تندیس و ایجاد آثار

بدیع و ارزنده نقاشی یا تعلیم شیفتگان هنر که باو مراجعه میکنند اوقات خویش را مصروف میدارد، از سال گذشته نیز بنا بر دعوت و درخواست اداره کل فرهنگ و هنر استان یزد، در کارگاه هنری وابسته با اداره کل، طبق برنامه تنظیم شده هنرجویان و دوستداران نقاشی و تندیس تراشی را آموزش میدهد.

مهمترین آثار مشهور جیتی که هم اکنون در دست است و آنها را میتوان جزء بدایع کارهای هنری استاد بشمار آورد عبارت است از:

۱- مجسمه نیم تنه اعلیحضرت رضا شاه کبیر که در آذرماه ۱۳۱۲ بوسیله وزارت فرهنگ به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم گردیده و هم اکنون در سرسرای فوقانی کاخ مرمر نصب شده است و بدین مناسبت یک قطعه نشان هنر نیز بایشان اعطاء شده است.

۲- مجسمه نیم تنه اعلیحضرت رضاه شاه کبیر از جنس سنگ سیاه رنگ خارا و چند مجسمه نیم تنه شاهنشاه آریامهر از سنگ مرمر و یکی هم از گچ.

در میان آثار خوب و بدیع نقاشی جیتی، از تابلو فالگیر بغدادی که تقلیدی از کار کمال الملک است، همچنین منظره چوپان نیزن و گله گوسفند که یک اثر تخیلی میباشد.

دیگر تابلو عبیسی و حواریون که تقلیدی از اثر مشهور رافائل نقاش مشهور اروپایی است و نیز تصویر زیبایی از میدان خان یزد در امتیوان نام برد.

بقیه از صفحه ۳۴

محلی است و بهتر است، کارگر ژاپنی برای این کارخانجات استخدام شود...

این مسئله در روزهای در سازمان برنامه مطرح گردید که ژاپن تازه میخواست شکست دردناک جنگ را فراموش کند و نه از قدرت صنعتی امروزش خبری بود و نه از نیروی عظیم پول رایجش اثری.

پس از گفتگوهای بسیار نخست قرار شد یک گروه خانواده پنجاه هزار نفری از ژاپنی های آواره در سواحل دریای خزر مستقر گردند... آنگاه این رقم پس از دست بدست گشتن گزارش بحد اقل رسید. یعنی قرار شد حدود ۵ هزار زن و شوهر جوان ژاپنی بایران دعوت شوند. سرانجام یکی از ایراندوستان با تصمیم نوشت: ژاپنی ها مثل مورچه تولید مثل کرده افزایش خواهند یافت و در آن منطقه، درآینده، برای ایران دردسری ایجاد خواهند کرد و باین ترتیب چنان پیشنهادی هرگز تحقق پذیر نشد.

نویسنده عقیده دارد که اگر اقتصاد ایران بمسیر طبیعی خود بازگردد و دلسوزی بیشتری در آموزش افراد و جذب نیروی زنان و مردان بعمل آید، توانائی تامین نیروی کار خام و نیمه ماهر را در داخل کشور دارد و میتواند از این راه با ناامنی، تورم، کمبود و گرانی مواد غذایی و بسیاری از این مسائل که انگیزه حضور بی حساب مهمانان ناخوانده است مبارزه کند...